یادداشت

جنگ‌ها می‌گذرند، نام‌ها می‌مانند

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از جنگ‌های جهانی تا اوکراین

نازیلا حقیقتی

جنگ‌ها روزی تمام می‌شوند، اما تصویری که از شرکت‌ها در حافظه جمعی باقی می‌ماند، نه با آتش‌بس پاک می‌شود و نه با گزارش پایداری ترمیم. از کارخانه‌های فولاد و نفت در جنگ جهانی اول و دوم تا غول‌های انرژی و فناوری در جنگ اوکراین، تاریخ بارها نشان داده است که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در بحران، نه یک انتخاب داوطلبانه، بلکه موقعیت اخلاقی ناگزیر است؛ موقعیتی که دیر یا زود، قضاوت می‌شود.

جنگ؛ آینه بی‌رحم بنگاه‌ها

جنگ وضعیتی استثنائی نیست، بلکه وضعیتی است که حقیقت ساختارها را عریان می‌کند. در چنین لحظاتی، شرکت‌ها دیگر نمی‌توانند پشت زبان خنثی بازار یا بی‌طرفی فنی پنهان شوند. انرژی، غذا، حمل‌ونقل، ارتباطات و فناوری در جنگ، از «کالا» به «شرط بقا» تبدیل می‌شوند و بنگاه‌های دارنده این منابع، ناخواسته به بازیگران سیاسی-اجتماعی بدل می‌شوند. مرور سه جنگ -جهانی اول، جهانی دوم و اوکراین- نشان می‌دهد که تاریخ، با شرکت‌ها نه براساس نیت، بلکه براساس کنش واقعی برخورد کرده است.

جنگ جهانی اول: قدرت صنعتی بدون چهره اخلاقی (۱۹۱۴-۱۹۱۸)

در جنگ جهانی اول، هنوز چیزی به نام مسئولیت اجتماعی شرکتی وجود نداشت. شرکت‌هایی مانند Vickers، Krupp و Standard Oil به بازوهای صنعتی دولت‌ها بدل شدند. تولید انبوه سلاح، سوخت و لجستیک، آنها را به بازیگران تعیین‌کننده جنگ تبدیل کرد. اما تصویری که از آنها باقی ماند، تصویری سرد بود: شرکت‌ها به عنوان «کارخانه‌های جنگ» شناخته شدند. نه قهرمان، نه متهم؛ صرفا ابزار. سود بقا و ملی‌گرایی در هم تنید و مرز اخلاق تقریبا غایب بود.

درس تاریخی: در جنگ جهانی اول، شرکت‌ها قدرتمند شدند، اما اعتبار اخلاقی نیافریدند. همین خلأ، بحران‌ساز مشروعیت صنعت در دهه‌های بعد شد. در نتیجه می‌توان گفت «قدرت صنعتی، بدون چارچوب اخلاقی، اعتبار اجتماعی تولید نمی‌کند».

جنگ جهانی دوم: تاریخ قضاوت‌پذیر

جنگ جهانی دوم، آزمون نهایی صنعت بود؛ نقطه‌ای بود که صنعت دیگر فقط تولیدکننده نبود؛ پاسخ‌گو شد. در آن نقطه تاریخ شروع به قضاوت کرد. در یک سوی تاریخ، Ford و General Motors با توقف تولید تجاری، حفظ اشتغال، مشارکت در دفاع، آموزش نیروی کار (ازجمله زنان)، سازمان‌دهی صنعتی General Electric با برق‌رسانی و تجهیزات پزشکی Unilever با حفظ تولید غذا و بهداشت و کنترل قیمت‌ها تصویری از شرکت‌هایی ساختند که به «نهاد اجتماعی» بدل شدند؛ این شرکت‌ها تبدیل به بخشی از زندگی مردم شدند، نه صرفا بخشی از ماشین جنگ. در سوی دیگر، IG Farben، Siemens و Krupp با همکاری ساختاری با رژیم نازی و استفاده از کار اجباری، نام خود را به پرسش اخلاقی تاریخ گره زدند؛ پرسشی که هنوز پاک نشده است.

درس تاریخی: کارآمدی بدون اخلاق، حتی اگر در زمانه خود توجیه‌پذیر باشد، در تاریخ محکوم می‌شود.

جنگ اوکراین: مسئولیت در عصر شفافیت

جنگ اوکراین در جهانی رخ داد که سکوت خودش موضع تلقی می‌شود، رسانه‌ها بی‌وقفه‌اند و افکار عمومی افکار جهانی را همراه می‌کند. در این جنگ، بسیاری از شرکت‌ها فهمیدند که CSR دیگر پروژه نیست، تصمیم است. شرکت‌هایی مانند Shell، BP و Equinor از بازار روسیه خارج شدند و ضرر مالی را پذیرفتند. شرکت‌های انرژی اروپایی با دولت‌ها برای حفظ انرژی مراکز حیاتی همکاری کردند. شرکت‌ها از کارکنان محلی حمایت کردند، نه با کمپین‌های پرزرق‌وبرق، بلکه با اسکان، جابه‌جایی و حمایت واقعی و در نهایت شوک‌های قیمتی را مدیریت کردند. تصویری که به جا ماند، تصویر شرکت‌هایی بود که انتخاب کردند با تصمیم درست دیده شوند، نه با تبلیغ و حفظ منافع شخصی. الگوی تاریخی مسئولیت اجتماعی در جنگ از دل این سه تجربه، یک الگوی روشن بیرون می‌آید؛ الگویی که فراتر از جغرافیاست:

- جان مقدم بر سود
- محصول به‌مثابه کالای عمومی
- شرکت به عنوان ضربه‌گیر اقتصادی
- خط قرمز اخلاقی غیرقابل مذاکره
- مسئولیت روایی و صداقت نهادی

شرکت‌هایی که این پنج اصل را رعایت کردند، حتی در دل جنگ، اعتبار ساختند و آنهایی که نکردند، هرگز از سایه تاریخ بیرون نیامدند.

و اما ایران: جنگ اعلام‌نشده، مسئولیت واقعی

ایران امروز، شاید درگیر جنگ کلاسیک نباشد، اما در معرض بحران‌های هم‌زمان است: تحریم، فرسایش اقتصادی، نااطمینانی اجتماعی و فشار بر زیرساخت‌ها. در چنین وضعیتی، شرکت‌های بزرگ -به‌ویژه در نفت، گاز، انرژی و صنایع مادر- عملا در موقعیتی مشابه شرکت‌های انرژی در جنگ قرار دارند. پرسش این نیست که «آیا CSR انجام می‌دهند یا نه»؛ پرسش این است که آیا انرژی را کالای صرف می‌بینند یا حق عمومی؟ آیا در بحران، نیروی انسانی را هزینه می‌دانند یا سرمایه اجتماعی؟ آیا روایت‌شان صادقانه است یا تبلیغاتی؟ آیا در کنار جامعه می‌ایستند یا پشت آیین‌نامه‌ها پنهان می‌شوند؟ مسئولیت اجتماعی در ایران امروز، پروژه نیست، بلکه موضع است.

نتیجه‌گیری: تاریخ منتظر بیانیه نمی‌ماند. تاریخ، گزارش پایداری را ورق نمی‌زند. شاخص‌ها را وزن نمی‌کند، اما به‌دقت به خاطر می‌سپارد که در لحظه اضطرار، چه کسی کنار انسان ایستاد و چه کسی پشت سود پنهان شد. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در بحران، نه ابزار برندینگ است و نه امتیاز رقابتی؛ جایگاه اخلاقی بنگاه در حافظه جمعی است. و این، همان چیزی است که بعد از جنگ -هر جنگی- می‌ماند.

عبور از گردنه اسفند

تصویر واقعی صنعت و بازار در دو ماه پایانی ۱۴۰۴؛ تحلیل اثرات «تراکم هزینه» و «کندی دیجیتال» بر شب عید

امیررضا اعطاسی
کارشناس ارشد مدیریت ساخت

اقتصاد ایران در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۴، تصویری پیچیده و چندلایه از مفهوم «واقع‌گرایی در مه» را به نمایش گذاشته است. این استعاره فقط توصیف‌کننده ابهام نیست، بلکه بیانگر وضعیتی است که در آن متغیرهای کلان اقتصادی (نظیر تورم و نرخ ارز) با صراحت و خشونت تمام، واقعیت‌های تلخ رکود را دیکته می‌کنند، اما افق پیش‌رو برای برنامه‌ریزی استراتژیک بنگاه‌ها در هاله‌ای از ابهام ناشی از سیاست‌گذاری‌های ناپایدار و شوک‌های برون‌زا فرو رفته است.

فصل اول: اتمسفر کلان اقتصادی؛ زلزله‌های ارزی و سونامی نقدینگی

زمستان ۱۴۰۴ نه با سرمای هوا، بلکه با حرارت ناشی از نوسانات شدید در شاخص‌های کلان اقتصادی آغاز شد. درک دینامیک‌های بازار خرد (Micro-economy) بدون شناخت دقیق لرزه‌هایی که در لایه‌های کلان (Macro-economy) رخ داده، ناممکن است. نرخ ارز در اقتصاد ایران، فراتر از یک متغیر پولی، به عنوان «لنگر انتظارات تورمی» عمل می‌کند. عبور نرخ دلار از مرز روانی ۱۶۰ هزار تومان و تثبیت نسبی در این کانال، پیامی فراتر از یک نوسان مقطعی دارد؛ این وضعیت نشانگر تغییر «سطح تعادلی ارز» و پذیرش واقعیت‌های جدید توسط بازار است.

● **بحران جایگزینی:** همگامی یورو (کانال ۱۹۰ هزار تومان) و درهم (۴۳ هزار تومان) به معنای افزایش آنی و شدید «هزینه جایگزینی» (Replacement Cost) برای تمامی کالاهاست. واردکنندگان و تولیدکنندگان در محاسبه قیمت تمام‌شده، نه نرخ امروز، بلکه نرخ احتمالی خرید مجدد مواد اولیه در سال آینده را لحاظ می‌کنند.

● **تغییر استراتژی:** فعالان اقتصادی با عبور از سناریوهای خوشبینانه، اکنون استراتژی «حفظ موجودی انبار» را بر «فروش و گردش نقدینگی» مقدم می‌دانند؛ زیرا نگهداری کالا در شرایط تورمی، بازدهی مطمئن‌تری نسبت به فروش و مواجهه با ریسک کاهش ارزش پول دارد.

حجم نقدینگی با رشدی هشدارآمیز و افسارگسیخته به بیش از ۱۳,۱۸۴ همت رسیده است. «وجود نقدینگی کلان در سطح کلان اقتصاد و خشک‌سالی مالی شدید در سطح بنگاه‌ها»؛ این پدیده نشان‌دهنده انحراف سیستماتیک منابع و «اثر رانش» (Crowding Out) است؛ جایی که نقدینگی به‌جای ورود به چرخه تولید، به سمت پناهگاه‌های امن دارایی (Asset Markets) نظیر طلا (سکه ۲۱۱ میلیون تومانی)، ارز و ملک سرازیر شده است. این انحراف دو پیامد ویرانگر برای شب عید دارد:

۱. انقباض تقاضای مصرفی: نقدینگی خانوارها به‌جای مصرف، صرف تبدیل به دارایی برای حفظ ارزش در برابر تورم می‌شود.

۲. هزینه پول: رقابت بنگاه‌ها با بازارهای موازی پرسود برای جذب سرمایه، نرخ بهره مؤثر در بازار غیررسمی را به‌شدت بالا برده و تأمین مالی را برای تولیدکننده غیرممکن کرده است.

تورم نقطه به نقطه مواد خوراکی که در دی‌ماه به مرز ۹۰ درصد نزدیک شد، فقط یک عدد آماری نیست؛ به معنای تغییر بنیادین در سبک زندگی دهک‌های متوسط است.

فصل دوم: بحران انرژی؛ سایه سنگین ناترازی بر خطوط تولید

ناترازی گاز و برق در سال ۱۴۰۴ از یک چالش فصلی فراتر رفته و به یک «بحران ساختاری و مزمن» تبدیل شده است که سمت عرضه اقتصاد را فلج کرده است. کسری روزانه ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلیون مترمکعبی گاز، ریشه در عدم سرمایه‌گذاری در میادین بالادستی و وابستگی خطرناک ۷۰درصدی سبد انرژی کشور به گاز دارد. استراتژی مدیریت بحران دولت، مبتنی بر «حفظ گاز خانگی به هر قیمت» بوده است که نتیجه آن، انتقال تمام فشار ناترازی به بخش صنعت و نیروگاه‌هاست.

● **سیمان:** این صنعت استراتژیک با قطع کامل گاز و کاهش ۴۰درصدی دیماند برق مواجه شده است. کوره‌های سیمان که خاموش و روشن‌کردن آنها هزینه‌های سنگین فنی و استهلاکی دارد، یا متوقف شده‌اند یا با سوخت مازوت (با ریسک‌های زیست‌محیطی و جریمه) یا با خرید برق و گاز از بورس انرژی با نرخ‌های آزاد فعالیت می‌کنند.

● **فولاد:** محدودیت ۵۴درصدی در تأمین گاز، مستقیما حجم تولید شمش و مقاطع فولادی را کاهش داده است. این کاهش تولید، علاوه بر بازار داخلی، توان صادراتی و ارزآوری کشور را در حساس‌ترین مقطع زمانی تضعیف کرده است.

● **پتروشیمی:** بسیاری از واحدهای پتروشیمی (به‌ویژه متانول‌سازها و اوره‌سازها) که خوراک‌شان گاز طبیعی است، با توقف تولید مواجه شده‌اند. این توقف، زنجیره تأمین صنایع پایین‌دستی (نساجی، پلاستیک و شوینده) را مختل کرده است.

گرانی کالا در بازار شب عید صرفا ناشی از نرخ ارز نیست، بلکه «تورم فشار هزینه» (Cost-Push Inflation) ناشی از بحران انرژی نقش کلیدی دارد. هزینه‌های پنهانی همچون خرید سوخت جایگزین، افت راندمان خطوط تولید، پرداخت دستمزد کارگران در ایام تعطیلی اجباری و خواب سرمایه، بهای تمام‌شده کالا را به‌شدت افزایش داده است.

فصل سوم: کندی دیجیتال؛ انسداد شریان‌های نوین تجاری

در کنار چالش‌های سنتی، اقتصاد ایران با پدیده‌ای مدرن و فلج‌کننده به نام «کندی دیجیتال» دست‌وپنجه نرم می‌کند. اختلالات گسترده در اینترنت و فیلترینگ، درست در زمانی رخ داده که کسب‌وکارها برای جبران کسری فروش سالانه، روی کمپین‌های دیجیتال پایان سال حساب ویژه‌ای باز کرده بودند. زیان روزانه اقتصاد از اختلالات اینترنت بین ۳.۸ تا پنج همت برآورد می‌شود؛ اما فراتر از اعداد، این وضعیت معیشت حدود ۱۰ میلیون نفر را که کسب‌وکارشان به پلتفرم‌های اجتماعی (اینستاگرام، تلگرام و...) وابسته است، تهدید می‌کند. برای بسیاری از مشاغل خانگی و خرد، فضای مجازی فقط ویترین فروش است و مسدودشدن آن در شب عید، به معنای «بیکاری پنهان» و از دست رفتن فرصت طلایی سال است. اثرات کندی اینترنت بر اکوسیستم لجستیک و تحویل کالا (Last Mile Delivery) ویرانگر بوده است:

● **اختلال در پردازش:** کندی دسترسی به سرورها و سامانه‌های ابری، فرایند ثبت و پردازش سفارش در انبارهای هوشمند (مانند دیجی‌کالا) را با تأخیر مواجه کرده است. در جشنواره‌های فروش که حجم سفارشات چند برابر می‌شود، هر ساعت قطعی به معنای انباشت هزاران سفارش معوق است.

● **فلج شدن ناوگان:** پلتفرم‌های توزیع (اسنپ، تپسی و پیک‌ها) برای مسیریابی بهینه به GPS و نقشه‌های آنلاین وابسته‌اند. اختلال در این سرویس‌ها، زمان تحویل (Lead Time) را افزایش داده، مصرف سوخت را بالا برده و درآمد فعالان صنعت لجستیک را تا ۶۵ درصد در روزهای بحرانی کاهش داده است.

مهم‌ترین و دیرپاترین آسیب کندی دیجیتال، «فرسایش اعتماد مشتری» است. تجربه کاربری ضعیف (تراکنش‌های ناموفق بانکی، عدم امکان رهگیری سفارش، تأخیر در تحویل) باعث شده بخشی از مشتریان به ناچار به بازارهای فیزیکی و سنتی بازگردند.

فصل چهارم: چشم‌انداز ۱۴۰۵؛ بیم‌ها و امیدها

لایحه بودجه ۱۴۰۵ با اتکای ۷۲درصدی به درآمدهای مالیاتی تدوین شده است. در شرایط رکود تورمی، این رویکرد خطرناک است؛ زیرا فشار مالیاتی عمدتا بر دوش بخش شفاف و شناسنامه‌دار اقتصاد (تولیدکنندگان رسمی) وارد می‌شود، در حالی که بخش‌های سوداگر و زیرزمینی از تور فرار می‌کنند.

سناریوهای پیش‌رو

● **خوشبینانه (احتمال کم):** گشایش‌های سیاسی و رفع تحریم‌ها که می‌تواند دلار را به کانال ۱۱۵ تا ۱۳۵ هزار تومان بازگرداند و شوک مثبتی به بازار وارد کند.

● **محتمل (وضع موجود):** تداوم سیاست‌های فعلی، دلار در محدوده ۱۶۰ هزار تومان و تورم سالانه ۴۰ تا ۵۰ درصد. در این سناریو، استراتژی بنگاه‌ها باید بر «حفظ بقا» متمرکز باشد.

● **بدبینانه:** تشدید تنش‌های منطقه‌ای و کسری بودجه شدید که می‌تواند دلار را به فراتر از ۱۶۵ هزار تومان و اقتصاد را به سمت ابرتورم سوق دهد.

گامی برای عدم تصاعد تنش

محمدابراهیم ترقی‌نژاد

روز جمعه گذشته نخستین دور از گفت‌وگوهای میان ایران و آمریکا پس از وقفه‌ای چندماهه برگزار شد؛ گفت‌وگوهایی که صرفا یک نشست دیپلماتیک معمولی نبود، بلکه در متن یکی از پرتنش‌ترین مقاطع روابط تهران و واشنگتن در سال‌های اخیر شکل گرفت. این دور از مذاکرات در حالی انجام شد که سطح تهدیدها و فشارها به شکلی بی‌سابقه بالا رفته بود: افزایش حضور نظامی آمریکا در پیرامون ایران، تحرکات اسرائیل در منطقه و از سوی دیگر، لحن تهدیدآمیز دونالد ترامپ، فضایی را ساخته بود که بسیاری آن را به نقطه «لبه درگیری» تعبیر می‌کردند. در چنین شرایطی، نفس برگزاری گفت‌وگوها -فارغ از اینکه به توافق منجر شود یا نه- یک پیام روشن داشت: دو طرف دست‌کم در این مقطع، مسیر «مدیریت بحران» را بر «تصاعد بحران» ترجیح داده‌اند.

واقعیت این است که در فضای کنونی، مذاکرات ایران و آمریکا دیگر فقط درباره پرونده هسته‌ای یا اختلافات سیاسی نیست؛ گفت‌وگوها اکنون به ابزاری برای کنترل ضربان تنش تبدیل شده‌اند. نوعی ترمز اضطراری که حتی اگر به مقصد توافق نرسد، می‌تواند مانع سقوط کامل روابط به سمت برخورد نظامی شود. این نکته، همان نتیجه مهمی است که می‌توان آن را دستاورد قطعی دور اخیر مذاکرات دانست: جلوگیری از تصاعد تنش در منطقه به صورت عام و میان تهران و واشنگتن به صورت خاص. نکته کلیدی اینجاست که حتی شکست مذاکرات نیز الزاما به معنای شکست دیپلماسی نیست. در بسیاری از پرونده‌های حساس بین‌المللی، دیپلماسی نه برای رسیدن سریع به توافق، بلکه برای جلوگیری از انفجار بحران به کار می‌رود. به بیان دیگر، مذاکره گاهی نه «پل توافق»، بلکه «سد جنگ» است. همین که دو طرف در اوج تنش، کانال گفت‌وگو را باز نگه می‌دارند، یعنی هنوز تصمیم قطعی برای رفتن به سمت درگیری گرفته نشده است. از سوی دیگر، آمریکا نیز به‌خوبی می‌داند هرگونه تشدید بحران با ایران محدود به مرزهای دو کشور نخواهد ماند. منطقه غرب آسیا در وضعیتی قرار دارد که یک جرقه کوچک می‌تواند به‌سرعت به زنجیره‌ای از بحران‌ها تبدیل شود؛ از خلیج فارس گرفته تا دریای سرخ و از عراق و سوریه تا بازار جهانی انرژی. بنابراین واشنگتن اگرچه ممکن است در عرصه رسانه‌ای و تبلیغاتی زبان تهدید را ترجیح دهد، اما در میدان واقعی سیاست، هزینه‌های یک درگیری مستقیم را به‌دقت محاسبه می‌کند. در مقابل، ایران نیز مذاکره را نه از موضع عقب‌نشینی، بلکه به عنوان یک ابزار مدیریت صحنه تعریف می‌کند. تهران به‌خوبی می‌داند در شرایط افزایش حضور نظامی آمریکا و تهدیدهای مکرر، هر سوءبرداشت، هر حادثه میدانی، یا هر اقدام تحریک‌آمیز از سوی بازیگران ثالث می‌تواند مسیر را به سمت درگیری ناخواسته ببرد. گفت‌وگو در چنین وضعیتی، نوعی «کنترل ریسک» است؛ کنترلی که حتی بدون توافق نیز ارزش راهبردی دارد. بنابراین، نتیجه مهم دور اخیر گفت‌وگوها را باید فراتر از متن توافق یا عدم توافق دید. نفس مذاکره، یعنی بازگشت طرفین به زمین دیپلماسی، به این معناست که هر دو کشور در حال بازتعریف خطوط قرمز خود و تنظیم سطح تنش هستند. این همان کارکردی است که می‌تواند مانع از آن شود که منطقه وارد مرحله‌ای شود که خروج از آن دشوار و پرهزینه باشد.

در نهایت، باید گفت مذاکرات روز جمعه چه به نتیجه رسیده یا نرسیده باشد، یک واقعیت را تثبیت کرد: تهران و واشنگتن، دست‌کم در این مقطع، بیش از آنکه به دنبال «پیروزی نهایی» باشند، به دنبال جلوگیری از «بحران کنترل‌ناپذیر» هستند و این در منطقه‌ای که همواره آماده انفجار بوده، دستاوردی کمتر از توافق رسمی نیست.

شرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران

آگهی مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله ای

تخریب و احداث ساختمان اداره پست و تجزیه و مبادلات شهرستان مریوان

شرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای تخریب احداث ساختمان اداره پست و تجزیه و مبادلات شهرستان مریوان ، به شماره سامانه ۲۰۰۴۰۰۳۰۶۷۰۰۰۰۵۹ ، را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد . لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه : ساعت ۸:۰۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

مهلت زمانی دریافت اسناد : تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۳

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد : تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

زمان بازگشائی پاکات : ساعت ۸ صبح روز یک شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

ضمناً جلسه پرسش و پاسخ مناقصه فوق در روز دوشنبه ۱۴۰۴/۱۲/۰۴راس ساعت ۱۰ صبح در محل آدرس ذیل الذکر تشکیل خواهد شد. در صورت هرگونه ابهام با شماره تماس ۰۲۱۷۷۲۴۴۹۹۹ داخلی ۱۱۳۴ تماس حاصل فرمایید.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار: جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف به آدرس: تهران میدان رسالت ابتدای خیابان نیروی دریائی نبش کوچه سهند طبقه دوم منطقه پستی شمال شرق تهران دبیرخانه کمیسیون معاملات مراجعه نمایند.

شناسه آگهی ۲۱۱۵۰۱۴ م الف ۴۱۶۲

آگهی مزایده فروش ضایعات

پتروپارس ایران

شرکت پتروپارس ایران در نظر دارد ضایعات (بشکه فلزی ۲۲۰ لیتری / ضایعات فلزی / ضایعات چوب و تخته) موجود در سایت CTEP واقع در استان خوزستان را بصورت یکجا از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. لذا جهت دریافت اسناد و ارائه پیشنهاد قیمت و ضمانت نامه شرکت در مزایده ، از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ لغایت ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ به سامانه معاملات به نشانی tender.ppars.com مراجعه نمایید.

روابط عمومی و امور بین الملل گروه پتروپارس

نوبت اول

فراخوان تجدید مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده)
یک مرحله ای شماره آگهی : ۸۷۳۴۰۰۶۹

شرکت انتقال گاز ایران
منطقه دو عملیات انتقال گاز

منطقه دو عملیات انتقال گاز درنظر دارد خرید بندل کمپرسور گاز نئوپینیون (طبق مشخصات اسناد مناقصه) به شماره ۲۰۷۲۸۰۴۰۵۲ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها ازطریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد .متقاضیان شرکت در مناقصه در صورت عدم عضویت در سامانه ، نسبت به ثبت نام ودریافت گواهی امضای الکترونیکی (بصورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:
۱) **تاریخ انتشار فراخوان :** ساعت ۰۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۹ به شماره ۲۰۰۴۰۹۲۶۷۸۰۰۰۰۶۷ باشد.
۲) **مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد تا :** ساعت ۱۶:۰۰ تاریخ: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴
۳) **مهلت ارائه پیشنهادات تا :** ساعت ۰۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۸
۴) **زمان بازگشایی پاکت کیفی :** ساعت ۰۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۸
۵) **زمان بازگشایی پاکت مالی :** ساعت ۱۵:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۱/۲۴
۶) **نوع و مبلغ تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار:** ضمانتنامه معتبردر معاملات دولتی با رعایت مفاد آئین نامه تضمین برای معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ ت ۵۰۶۵۹ ه مصوب ۱۳۹۴ واصلاحیه شماره ۵۲۱۱/ت ۵۷۵۹۲ ه مصوب ۱۴۰۰
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۹/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال میباشد.
۷) **اطلاعات تماس و آدرس دستگاه :**
کیلومتر ۱۷ جاده اصفهان- نجف آباد منطقه دو عملیات انتقال گاز- امور کالا- تلفن: ۳۴۰۴۳۲۰۱-۳۴۰۴۳۲۱۱-۳۴۰۴۳۲۱۷-۰۳۱ فکس:۳۴۰۴۳۰۲۱-۳۶۲۷۸۲۰۵-۰۳۱
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :
مرکز تماس : ۴۱۹۳۴-۰۲۱
دفتر ثبت نام : ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
ضمنا آگهی فوق در سایت های زیر قابل مشاهده می باشد:
WWW.SHANA.IR - http://district2.nigtc.ir - http://iets.mporg.ir
شناسه اگهی: ۲۱۱۶۵۵۵
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۱۱/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

روابط عمومی منطقه دو عملیات انتقال گاز

۷۱۰۴